پیام جبهه ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۲۲ — پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۵۹ — ۴ صفحه ۱۰ ریال

پیام امام خمینی به نمایندگان مجلس

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم.
با خواست خداوند متعال و بمبارکی و میمنت در روزی بسیار بزرگ مجلس شورای اسلامی افتتاح میشود، روز سیزدهم رجب که روز ولادت با برکت و سعادت بزرگمرد تاریخ و معجزه دهر امیرالمومنین علی‌ابن ابیطالب صلوات‌الله وسلام علیه است. مجلس مقدس شورای اسلامی که اولین مجلس جمهوری اسلامی واولین مجلسی است که با انتخابات آزاد انجام گرفت گشایش میابد و من امیدوارم که این مجلس به‌برکت این روز مبارک مجلس عدالت و پیرو اسلام و بنفع مسلمین و کشور اسلامی باشد، سپاس خداوند بزرگ را که در مدتی کوتاه ملت ایران موفق شد که اساس جمهوری اسلامی را با آزادی و آرامش بنیان گذارد و این از برکت اسلام و وحدت کلمه قشرهای متعهد اسلامی است، اینجانب طلیعه این مجلس مبارک را بملت بزرگ ایران و شما نمایندگان محترم تبریک عرض میکنم و تذکراتی را که دوستان من خود نیز توجه دارند تکرار مینمایم.

۱ ــ شما دوستان محترم نماینده ملتی هستید که جز به‌اسلام بزرگ و عدالت الهی اسلامی فکر نمیکند انتخاب شما برای پیاده نمودن انقلاب اسلامی که در طول سلطنت ظالمانه و غاصبانه رژیم شاهنشاهی از آن محروم بودند. رژیمی که ثروت سرشار کشور را به خود و هم پیمانان نامیمون خود اختصاص داد و برای ادامه سلطه جباران خود به جیب ابرقدرتها ریخت وملت مظلوم را درسطح بسیار وسیعی از اولین احتیاجات محروم و بخاک سیاه نشاند و کشور را در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته به اجانب خصوصاً آمریکا کرد. ببینید شما ودولت با ملت مستضعف که به برکت انقلابش همه ما را از انزوا خارج نمود چه خواهید کرد.

۲ ــ امید آنست که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در برمیگیرد، در راس برنامه‌ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای ــ

بقیه در صفحه ۴

مجلس باید به دوران هرج ومرج و وحشت پایان دهد

با برقراری نظام قانونی جمهوری اسلامی، از نابودی کشور و انقلاب جلوگیری کنید

افتتاح نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در روز ولادت نامدار حقیقت وانسانیت باید برای همه مردم نوید بخش آغاز دوران نظام قانونی جمهوری نوپای ایران باشد.

در فردای پیروزی انقلاب بزرگ. وقتی امام خمینی با پیام تاریخی خود، همگان را به کوشش در راه سازندگی دعوت کرد، هیچیک از معتقدان به انقلاب گمان نمیبرد که بعد از مدت کوتاهی کشور در هرج و مرج فرو رود و آشفتگی بجای سازندگی همه زمینه های زندگی مردم را در برگیرد.

رفراندوم جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی و حتی انتخاب رئیس جمهوری که قدم‌های مهمی در ایجاد بنیادهای جمهوری اسلامی تلقی میگردید هیچیک نتوانست نقطه ختمی بر دوران بر هم ریختگی و هرج و مرج بعد از انقلاب بگذارد و کشور را از سرگردانی در وادی نامعلوم برهاند.

اکنون که مجلس شورای ملی شروع بکار میکند ورکن حاکمیت ملی نظام بعد از انقلاب تکمیل میشود و مقدمات تشکیل دولت ثابت و عادی و قانونی مهیا و نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران کامل میگردد باید اذعان کرد که تمام موجبات قانونی استقرار نظام جدید فراهم گردیده و سازمان سیاسی کشور برای شروع کار در جهت سازندگی آماده شده است.

ما معتقدیم که دراین لحظات حساس بجای گفتگو در باره ایرادات و ضعف‌هاواشکالات و نارسائی‌های بسیاری که در یکسال و چندماه گذشته با آن مواجه بودیم وخسارات و ضررهای بسیاری را وارد آورد باید پس از افتتاح مجلس شورای ملی و انتخاب دولت در جهت هماهنگی برای نجات کشور ازاین همه مشکلات وخطرات به پیش رفت.

رئیس جمهوری در سخنان خود در جلسه افتتاحیه مجلس از وابستگی اقتصادی کشور به خارج و سایرنابسامانیها به اشاراتی اکتفا کردند. سخنرانی‌های ایشان درمجالس و موارد دیگر بیانگر قسمتهائی از اوضاع حقیقی کشور است.

امروز بیکاری روز افزون، گرانی سرسام آور، تعطیل کار در کارخانجات و سقوط تولیدات و توسعه اعتیاد واستعمال مواد مخدر و مهمتر از همه ناامنی در همه شئون، درخانه در خیابان، در محیط کار و در همه روابط حاکم برجامعه بعد از انقلاب از امور عادی و دائمی درآمده است. در برابر این اوضاع روش‌مقابله مراجع انقلابی‌وقدرت‌های‌حاکم منحصر به صدور احکام اعدام و در بعضی از موارد تبعید و زندان شده است. درست است که اعمال قدرت یکی از وسایل موثر ایجاد نظم برای هر دولت و حکومتی است‌ولی پرداختن به شدت عمل بدون آگاهی مردم از ضوابط و معیارهای این شدت عمل و بدون اطلاع عمومی از سوابق و نحوه رسیدگی و علل و جهات صدور احکام و بخصوص منحصر کردن تصمیمات و اقدامات دولت و نهادهای حاکم دربرابر رویدادهای جامعه فقط به قتل‌وحبس و تبعیدکسانی که در معرض اتهامات قرار میگیرند، نمیتواند برای مدت طولانی دوام بیاورد.

وحشت پس از مدت کوتاهی جای خودرا به عصیان خواهد داد.

مجلس شورای ملی باید به دوران وحشت خاتمه دهد. انقلاب باید شکوفائی خودرا باز یابد.

شدت عمل و قاطعیت باید در جهت تغییر بنیادهای استبدادی و استعماری نظام گذشته بکار رود وامکانات و وسائل مشارکت همه مردم و قشرهای مختلف در سازندگی جامعه بعد از انقلاب فراهم شود. اعدام وحبس وزندان بعنوان اصل حاکم بر زندگی مردم باید به کناری زده شود.

مجازات فقط باید بعنوان ضمانت اجرای تصمیمات

بقیه در صفحه ۴

گزارش لحظه به لحظه مراسم گشایش مجلس شورای ملی

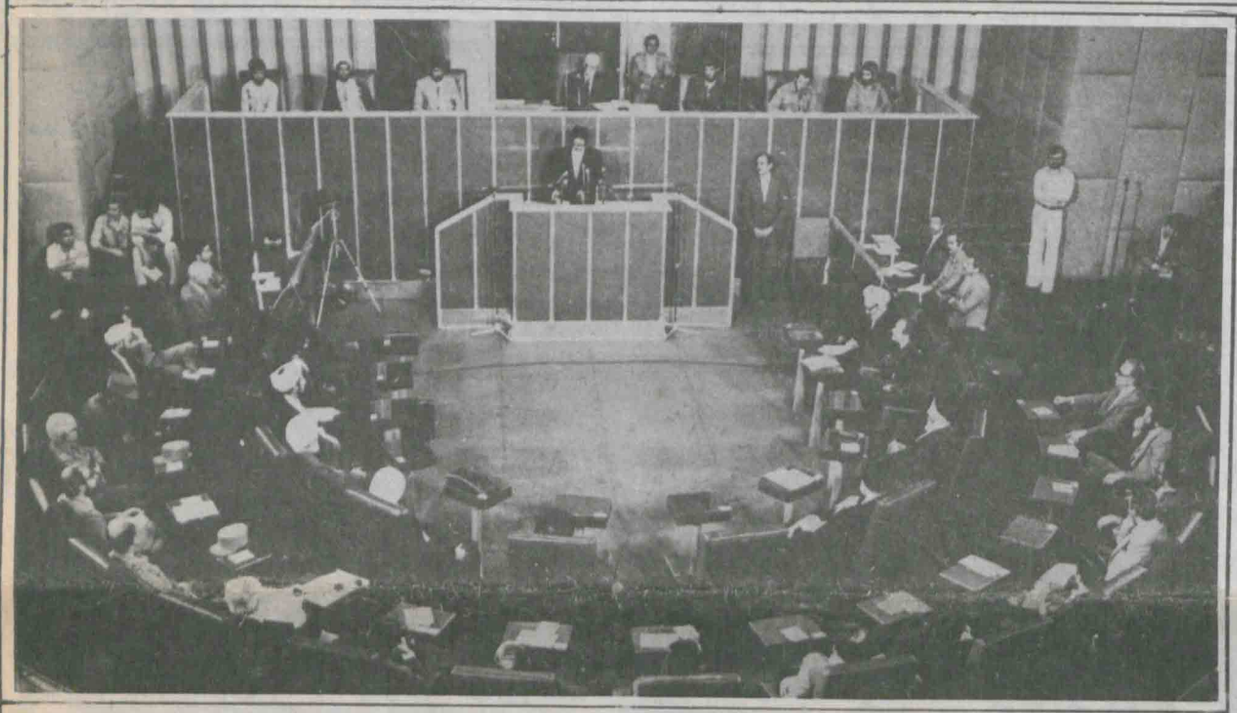

■ بنی صدر: مشکل اجتماعی کشور ما محرومیت شدیدی است که اکثریت مردم کشور ما از آن رنج میبرند

■ مهندس مهدی بازرگان اولین نخست‌وزیر انقلاب و دکتر سید احمد مدنی، دکتر سامی و دکتر حبیبی نامزدهای ریاست جمهوری ایران، چهره های سرشناسی که بر کرسیهای مجلس نشسته بودند

■ حجت‌الاسلام خلخالی به نیابت سنی ریاست مجلس مهندس بازرگان اعتراض کرد

نخستین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران ساعت نه و پانزده دقیقه بامداد دیروز باتلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز بکار کرد.

در جریان گشایش نخستین دوره مجلس قانون گذاری ایران پیام امام‌خمینی توسط حجت‌السلام سید احمد خمینی قرائت شد وآنگاه دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهوری ایران مطالبی درباره اوضاع مملکت وبرنامه های آینده بیان داشت.

برنامه افتتاحیه مجلس

طبق برنامه‌ای که‌وزارت کشور تنظیم کرده بود جلسه افتتاحیه مجلس با حضور رئیس جمهوری ایران، اعضای شورای انقلاب و فقهای‌شورای نگهبان قانون اساسی، جمعی از روحانیون مراکزاستانها، نمایندگان مدرسین حوزه علمیه قم، سفراء و نمایندگان خارجی مقیم تهران، وزراء و مقامات مملکتی، جمعی از خانواده‌های شهدای انقلاب خبرنگاران ومطبوعات خبرگزاری ها و رادیو تلویزیون‌های داخلی و خارجی ونمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی افتتاح‌شد.

نخست آیت‌الله مهدوی کنی عضو شورای انقلاب و سرپرست وزارت کشور، ضمن گزارش مشروحی فعالیتهای پانزده‌ماهه وزارت کشور را از آغاز انقلاب تا شروع کارمجلس بر شمرد و خاطر نشان ساخت که دراین مدت وزارت کشور موفق به برگزاری شش دوره همه پرسی وانتخابات گردید.

سرپرست وزارت کشور سپس افزود: شورای انقلاب آئین نامه‌ای را برای شروع کار مجلس تصویب کرد تا مجلس کار خود را بر اساس آن آغاز کند.

بر اساس این آئین نامه دکتر یدالله سحابی بعنوان رئیس سنی و مهندس مهدی بازرگان بعنوان نایب رئیس سنی مجلس و شش تن از جوانترین نمایندگان بعنوان منشی برگزیده شدند.

هنگامیکه سرپرست وزارت کشور نام مهندس بازرگان را بعنوان نایب رئیس سنی اعلام کرد. حجت‌السلام خلخالی به این انتخاب اعتراض کرد ولی مهدوی کنی توضیح داد که تصمیم گرفته شده و تصویب شده است.

حوالی ساعت ۹/۵۰ دقیقه صبح دکتر ابوالحسن بنی صدر رئیس‌جمهوری‌ایران وارد مجلس شد و نمایندگان به احترام او بپاخاستند.

دراین موقع دکتر یدالله سحابی و شش منشی در جایگاه مخصوص قرارگرفتند ورئیس سنی مجلس از حجت‌السلام سید احمد خمینی دعوت‌کرد که پیام امام خمینی را قرائت نماید.

بعد از قرائت پیام امام

بقیه در صفحه ۴

گفت و گوی اختصاصی با دکتر ادریسیان سرپرست مستعفی دانشگاه مشهد

دکتر غلامعلی ادریسیان رئیس دانشگاه مشهد، ازسمت خود استعفا کردو در یک گفت وگوی اختصاصی با پیام جبهه ملی اعلام داشت:

مهمترین مساله‌ای که باید مورد توجه قرارگیرد، مساله عدم احساس مسئولیت وزارت فرهنگ و آموزش عالی نسبت به حوادث اخیردانشگاه هامیباشد.

متن استعفای دکتر ادریسیان ازاین قرار است:

شورای سرپرستان دانشکده‌های دانشگاه مشهد ــ شورای هماهنگی دانشجویان دانشگاه مشهد احتراما "بدین وسیله استعفای خود را از سرپرستی موقت دانشگاه اعلام میدارم و متعاقبا" بطورمشروح دلائلی را که منجر به این تصمیم‌گیری گردیده است برای روشن شدن افکار عمومی بویژه دانشگاهیان که همیشه ازحمایت بیدریغ آنها برخوردار بوده‌ام منتشر خواهم کرد.

غلامعلی ادریسیان

دکتر ادریسیان دربی این استعفا ضمن گفتگوئی با پیام جبهه ملی اظهار داشت:

ــ من از سوی شورای هماهنگی دانشگاه درنیمه‌دوم سال گذشته به سمت سرپرست موقت دانشگاه انتخاب شدم. وزارت فرهنگ و آموزش عالی پس از مدتی مقاومت واصرار و پیگیری شوراهای‌دانشجویان وکارکنان اداری و ارسال

بقیه در صفحه ۴

گرایسکی پس‌از ترک تهران درفرودگاه آتن:

انقلاب ایران نباید مورد بی توجهی بخش دمکراتیک اروپا قرار گیرد

برونوکرایسکی صدراعظم اتریش هشدار داد اعمال محدودیت‌های جدید اقتصادی علیه ایران آزادی گروگانهای آمریکائی را باز هم به‌تعویق خواهد انداخت. وی پس‌از سفر به ایران هنگام ورود به فرودگاه آتن گفت: تنها در یک محیط آرام راه حلی‌برای بحران گروگانها پیدا خواهد شد.

گرایسکی در فرودگاه آتن خطاب به خبرنگاران گفت: «مساله گروگانهاتنها یکی از موضوعات گوناگونی بوده‌است که وی با بنی‌صدر و سایر مقامات ایران مورد بحث و بررسی قرار داده است.

گرایسکی گفت... وی احساس کرده‌است. دولت‌ایران

بقیه در صفحه ۴

هفته مصدق، نهضت ملی ایران و نفت

۲۶ خردادماه مصادف است با تولد مصدق رهبر بزرگ نهضت ملی ایران و ۲۹خرداد روز خلع ید از امپریالیزم جهانخوار انگلیس وسالروز شهادت دکتر علی شریعتی.

بهمین مناسبت از روز یکشنبه ۲۵ خرداد الی پنجشنبه ۲۹ خرداد مراسمی از طرف جبهه ملی بصورت سخنرانی، مسابقات مقاله نویسی، فیلم، نمایشگاههای عکس برپا میگردد.

از علاقمندان وسازمان های ملی که مایل به همکاری می‌باشند، خواهشمنداست با ارسال عکس، پوستر و مقاله‌های مربوطه (که بهترین آنها در روزنامه پیام جبهه ملی درج خواهد شد) تا ۲۰

بقیه در صفحه ۴

نامه سرگشاده علی‌حجتی‌کرمانی به سرپرست روزنامه اطلاعات

انتقادجویی و ریاست طلبی تازه بدوران رسیده‌ها ربطی به امپریالیسم و صهیونیسم ندارد

بقیه در صفحه ۲

نفرین به هر چه لیسته...

مجتبی قوامی

درعصرنامیمون‌ستمشاهی محمدرضا خانی بود که پدر مخلص از دار دنیا رفت، خداوند گذشتگان همه را بیامرزد.

برای‌برگزاری‌مراسم‌ختم به مسجدی مراجعه کردم و ترتیب امور مربوطه را دادم. تا اینجای کار هیچ اشکالی پیش نیامد و داشتم از مسجد خارج میشدم که متولی مسجد صدایم کرد و گفت: "فلانی برای‌واعظ چه‌میکنید؟" گفتم؛ خودمان‌ترتیب دعوت واعظ را خواهیم داد.

و در نظرداشتم واعظی را که پدرم درزمان حیاتش باوعلاقه‌داشت وما او راخوب میشناختیم برای‌این‌کاردعوت کنم‌ولی متولی مسجد گفت نه ما اجازه نداریم‌که چنین اجازه‌ای‌را بدهیم‌ولیست‌بلند بالائی را بمن نشان داد و گفت اسامی ذکر شده در این لیست اجازه دارند که دراین مسجدبه منبر بروند و اگرنام واعظ مورد نظر شما در این لیست‌هست که قبه‌المرادواکر نیست فکر دیگری بکنید.

از مشاهده اسامی ذکر شده در لیست‌دلم آشوب‌شد و حالت تهوع و سرگیجه بمن دست داد. چون اکثر اسامی نوشته‌شده درآن لیست‌کذائی را می‌شناختم. همگی از وعاظ مدیحه سرای رژیم سفاک آریامهری‌بودند و من از آنها بدم میآمد. خلاصه کلام دردسرتان‌ندهم، غم‌از دست دادن‌پدر از یک‌طرف و اینکه نمی‌توانستم واعظ دلخواهم را برای‌مجلس ختمش‌انتخاب کنم‌از طرف‌دیگر فشارعجیبی بر روی اعصابم وارد آورد و حالت دیوانه‌ها را پیداکرده بودم و چون نتوانستم‌در آن لحظه‌تصمیمی بگیرم به‌متولی گفتم‌برای این امر بعداتلفن میزنم.

باکولباری از غم ازدر مسجدخارج شدم‌و باچشمانی پر از اشک به مسجدی دیگر مراجعه‌کردم‌که‌باز در برهمان پاشنه‌می‌چرخید. همان‌لیست کذائی‌و همان‌وعاظ آریامهری رج شده بودند. در هر حال در منتهای‌استیصال وناچاری یکی‌ازوعاظ همان‌لیست‌لعنتی را انتخاب‌وقضیه‌فیصله‌یافت، و بر طبق سنت رایج و معمول زمان واعظ مربوطه به منبر رفت ومطالب‌کشافی‌از فضایل‌و سجایای‌پدرم‌بیان داشت "در صورتیکه‌اصلامارانمی‌شناخت" و گریزی‌نیز به صحرای کربلازد واشکی‌از حاضران‌درآورد... و خاتمه مجلس دعا وثنابرای حفظ خاندان جلیل سلطنت و سلامت‌نور چشم‌ملت ایران یعنی والاحضرت ولیعهد.

چنان این کلمات و آن لیست‌کذائی‌در من‌آثرگذاشت که هنوز خاطره زشت آن در ذهن من باقی مانده است و از بخت بدهرچند وقت‌یکبار خاطره آن‌بمناسبتهای‌مختلف زنده میشود.

روزی بادیدن لیست خارج کنندگان ارز قبل از انقلاب‌وروزی‌بامشاهده‌لیست ساواکیها، روزی‌ازلیست‌خارج کنندگان‌ارزبعدازانقلاب‌ولیست های دگر... ای لعنت به‌هر چه‌لیسته‌ای نفرین به هرچه لیسته‌ای مرگ‌بهر چه لیسته.

خلاصه مدتی بود که خاطره آن‌لیست‌کذائی‌داشت فراموشم میشد که بازاز بدشانسی‌گذارم‌به‌چاپخانه‌ای در خیابان منهوچهری افتاد که‌چشمم به‌لیستی در زیرشیشه میزمدیرچاپخانه برخوردکرد که‌مربوط‌بودبه‌سی‌چهل‌روزنامه که‌حق انتشار نداشتندوضمیر ناخودآگاه من بازآن خاطره تلخ رادر ذهنم زنده کرد و سکرمه‌هایم در هم شد.

مدیرچاپخانه‌که متوجه وضع من شده بود، پرسیدچه شده؟ گفتم‌چیزی نیست ولی قانع نشد هی‌اصرار کرد تا بالاخره‌جریان‌را بطورمختصر برایش گفتم، که سردرد دل او هم بازشدو گفت اگر توهر چندوقت‌یکبار‌بادیدن‌لیستی خاطره تلخ مرگ‌پدرت و آن قضایا برایت زنده می‌شود ما هر روز خاطره محرمعلی‌خان سانسورچی معروف زمان ستمشاهی برایمان زنده میشود!!!

روزی نیست که مورد هجوم و بازرسی قرار نگیریم و روزی نیست که... دویدم توی حرفش و دیدم که اگر بیش از این پای درد دل او بنشینم‌ازکارو زندگی می‌افتم و درد و غم بیشتر میشود. خداحافظی‌کردم‌و ازچاپخانه خارج شدم.

آقای وزیر بهداری آقای رئیس گذر نامه چه‌کسی مسئول مرگ این جوان است؟

علی اکبر محمودیان

در بسیاری‌از امورکفایت و مدیریت‌کارها را حل می‌کند و هیچ‌ربطی به‌محاصره‌اقتصادی و ایادی‌خارجی‌یا وسایل‌یدکی و مانندآن‌ندارد ودر صورتیکه مالیاقت‌و عرضه‌نداشته باشیم و بر امورزیر نظر خود مسلط نباشیم ایجاد ناراحتی و نارضایتی‌میکندواین‌نارضایتی‌ها جمع‌می‌شود و انقلاب را دچار نگرانی و خطر می‌سازد که پشه چون پر شد بزند پیل را.

چندروز قبل‌برای‌دیدار و دلجوئی یکی از همکاران فرهنگی خود آقای مشکوه که جوان ۱۸ ساله خود را ازدست داده بودرفتم. پس‌از گریه‌ها، زاریها، شیون‌ها که همه در اینگونه‌مصیبت‌ها دیده‌ایم‌پای صحبت این معلم دل شکسته‌و این مرد صدیق و خدمتگزار نشستیم‌وخلاصه‌آنچه‌راا استنباط کردم برای اصلاح پاره‌ای امور مملکت می‌نویسم شایدانشاالله موثر افتد.

چندهفته پیش افشین این‌نوجوان‌باهوش وبااستعداد دبیرستان‌بامداد دچاربیماری می‌گرددو پس از مراجعه‌به‌چند دکتربالاخره‌عکس‌برداری‌متوجه میشودکه‌غده‌ای برزگ‌بین‌قلب

بقیه در صفحه ۳

برادر و دوست دیرینه‌ام جناب سید محمود دعائی!

با درود و سپاس نسبت به (آنهمه صفا و صمیمیتی که در شما سراغ دارم و خدماتی که در طول سالهای ۴۱-۴۴ نسبت به این حقیرانجام دادید...

از آن روز که شما به امر امام و فرمان ریاست جمهوری عهده‌دار یکی از بزرگترین و مدرنترین مؤسسات مطبوعاتی خاورمیانه یعنی مؤسسه‌اطلاعات گشتید، بر آن بودم که آنچه را در دل دارم دردمندانه با شما برادر و دوست دیرینه‌ام در میان بگذارم، باشد که منشاء اثری گردد و نیزآزمایشی و تجربه‌ای از اصل مقدس و انسانی آزادی بیان قلم وابراز عقیده که بحق از ثمرات ابتدائی و در عین حال‌راستین خونهای بناحق ریخته شده شهدای عزیز ما میباشد...

این تصمیم پس‌از چند روزی که در من قویتر شد. آنگاه که شمس آل احمد را که مهر امام را به نشانه‌ی مهر ملت خریده است، بعنوان‌سردبیر روزنامه در جمع اطلاعاتیان دیدم... که بایک ضرب و تفریق و تقسیم اوضاع‌واحوال فعلی و جمع کوتاهی ازاین دوسمت‌وسرپرستی دعائی+سر دبیری آل احمد، اینطور نتیجه گرفتم که منظور اصلی آنست که دراین مؤسسه عظیم که متجاوز ازنیم قرن درخدمت طاغوت و سرمایه‌داری وابسته بودن و پس از سالها بگفته خود شمس: منعکس‌کننده‌اهداف سیاسی یک تیم افراد خود فروخته وصاحب سالار که به غلامی وچاکر بودن برابر قدرتی رذیلانه تن میدادند، اینک وپس از انقلاب اسلامی دراختیار مردم باشد وانعکاس دهنده باورها وخواستها و دردها ورنج‌های توده‌های محروم و ستمدیده و خط‌امام رابه نشانه‌ی خط امت "اصل معیار" قرار دهدو با یک‌انقلاب مطبوعاتی قاطعانه خطوط انحرافی را بشویدوخه‌انقلاب اسلامی را با اولین گام "حجامت مطبوعات" روشن‌تر و بازتر و بازهم پررنگ‌تر و بازتر پایه و مایه قلمزنیهای اطلاعاتیان قرار دهد...

و با چنین خمیرمایه‌ای از برداشت و استنباطم نسبت به چنین تغییر بنیادی که در این‌روزها دراطلاعات انجام شد و تحلیل درست وراستینی که نسبت به محتوای خط‌امام دارم (که بگمانم در همین نامه بتوانم بدان اشارتی‌داشته باشم) که از خصائص بنیادی و ویژگیهای ماهوی آن عبارت است از صراحت و اعتقاد به آزادی بیان و قلم واظهار عقاید، تاآنجا که حتی پیروان جهان‌بینی‌های غیر اسلامی هم میتوانند باورهای خویش را آزادانه در یک جامعه‌ی اسلامی بیان دارند، تاچه رسد به‌مسلمانی زجر کشیده و دردمند، مسلمانی که در سالهای سیاه خفقان واستبداد همواره مورد ستم و تجاوزقرار داشته و امروز جز تنی بیمارو روحی خسته از وی چیزی‌باقی نمانده است، مسلمانی که سالهای سال در مسیرمبارزه با "طاغوت" و به ثمررسیدن انقلاب اسلامی و حرکت‌بسوی حکومت "قسط" و "الله" قلمها زده و گامهائی برداشته و اندیشه‌هائی ارائه داده و...

آری با چنین درک و برداشتی و بامید آنکه اندیشه و استنباطم نسبت به روزنامه اطلاعات پس ازاین تحول اساسی صحیح و مطابق باواقع است، عزمم را جزم نمودم‌که قلم و کاغذی را بر گرفته و در گوشه‌ای خلوت و بدور ازفریاد ها و شعارها و به شهادت‌حق، منهای هرگونه گرایش و غرض و مسائل پست و تنگ‌نظرانه شخصی وگروهی، خطاب به شما برادر پر مهر و با صفا مسائل و واقعیاتی را در میان گذارده بدین امید که درراستای "خط امام" خط شرف و فضیلت، خط انسانیت و آزادی، تنها انعکاس کوتاه و گوشه‌ای از دردو رنج و خواست و باور راستان به انزوا کشیده شده انقلاب اسلامیمان باشد و در معرض دیدو داوری امت‌قراردادنش، یکی ازعلائم و دلائل راستین قرار گرفتن اطلاعات در "خط امام و امت" و در عین حال گامی کوتاه‌وصادقانه‌ومخلصانه در راه زدودن خطوط‌انحرافی و بشدت نگران کننده واسلام بر باد ده که بدانها اشارت خواهد رفت، بشمارآید...

۱ـ ازبعثت تااطلاعات؟!

برادر عزیز! با اجازه شما به ۱۸ سال قبل برمیگردیم‌و اوائل نهضت و تاسیس یک نشریه زیرزمینی نام "بعثت"! که با همیاری و همکاری‌یکدیگر زیرزمینی را بخطر انداخت و "بعثت" را به ورطه‌ی تعطیل کشاند، امروزدارد گروه‌گرائیها و یک بعدی اندیشیها و تک عامل گرائیها وانتقامجوئیهاو

انتقامجویی و ریاست طلبی تازه بدوران رسیده‌ها ربطی به امپریالیسم و صهیونیسم ندارد

و باوجوداختلافات سلیقه، توانستیم تا ۱۵ شماره آنرا چاپ ومنتشر کنیم ورژیم بالاخره نتوانست آنرا کشف کند! و ماسالها از وسائلی که بدان منظور تهیه شده‌بود، در غیاب شماو برای چاپ و نشر اعلامیه های فصلی بهره می‌جستیم... بیاد دارید که در آنگاه بر اثر اختلاف ذوق و سلیقه و عدم قدرت بر تکیه روی قدرمشترکها و حتی اختلافات جزئی و رقت‌باری برسرکشیدن پاره‌ای از "حروف" چگونه آن نشریه را که در زمان خود بی‌نظیر بود و میتوانست نقشی را در مسائل ایدئولوژیکی اسلامی و ارائه‌ی مسائل عینی جامعه به توده‌های ناآگاه و حتی طلاب و دانشجویان جوان ایفاکند، به‌بوته‌ی تعطیل کشیدونیروهای فعال و صادق را پراکنده کردو هرکدام را به راه خویش با ادعای صحت آن راه‌انداخت!؟

آیا از بعثت تا اطلاعات با انبوهی از تجربیات سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند کافی باشد بر اینکه مواد جزئی "افتراق" را به کناری بزنیم و بر قدرمشترکهای" کلی و اسلامی خویش تکیه نموده و بدور از هرگونه خودخواهی و تک محوری وگروه‌گرائی انقلابمان رااز پرتگاهی که در این روزها در آن قرار دارد نجات بخشیم؟!

برادر! اگر اختلاف سلیقه ویااحیانا" خودخواهی و "تشخص‌گرائی" شش نفره ما در ۱۸ سال قبل یک نشریه تصفیه حسابهای شخصی گروه ها و اشخاص، "بعثتی" را گرفتار رکود کرده و در معرض خدای ناخواسته سقوط قرار میدهد!

۲ـ خط‌امام باید مشخص و قابل پیروی گردد.

من پس‌از انقلاب به گوشه وکنار این مملکت‌مسافرت کرده‌ام وچون دارای شغل و مقامی نبودم ورسمیتی نداشتم از آسیب پذیری کانالیزه‌شدن درامان بوده وبراحتی می‌توانستم منشاء و باعث بسیاری از نابسامانیهای پس ازانقلاب را دریابم که اجازه بدهید و اساس ارزیابی دقیق آنها را به سه دسته تقسیم کنیم:

الف ـ آنچه که از بطن و متن انقلاب نشات میگیرد و از پی آمدهای هر انقلاب اصیل و مردمی است.

ب ـ خلاء ها وناروائیها و نارسائیهائی که بر اثردسیسه ها وشیطنت‌های امپریالیسم جهانی وصهیونیسم بین‌المللی و عمال داخلی آنها بوجود آمده است که نه تنها نگران کننده نیست که باز برهانی روشن بر اصالت انقلاب و استقلال و عدم وابستگی به شرق و غرب... و البته با درایت و روشن دلی امام عزیزمان وبا پیروی کارگزاران دولت انقلاب و ملت بیدار ایران و مبارزات پیگیرودامنه‌دار آنها قابل دفع و انهدام مطلق...

ج ـ آنچه از نابسامانیها و ناروائیهای متعدد و روز افزون که از رذائل اخلاقی، انحصار طلبی و قدرت پرستی و ریاست و شهرت‌خواهی اشخاص و گروهها منشاء گرفته است...

آقای دعائی! درهمین جاست که محور اصلی همه دردهای دل مرا تشکیل‌میدهد! واقعیات را نادیده گرفتن‌و یا خویش را به نادیدگی زدن! و یا همه‌ی مشکلات و خلاءها را به یک عامل آنهم برون مرزی نسبت دادن هیچ‌دردی را دوانخواهد کردومشکلی از مشکلات روز افزون ما را نمی‌گشاید؟ آیا بهتر نیست "واقعیت" راهرچندهم که تلخ آنطور که هست ووجود دارد، با تمام کم‌و کیفش اندازه بگیریم و با آن به یک مقابله منطقی بپردازیم؟! آیا معضله‌ها، نارواییها و خطوط انحرافی و بشدت ضد اسلامی و مباین با ماهیت انقلاب اسلامی که این روزها در گوشه و کنار مملکت مشاهده میگردد و روزبروز هم روزافزون و در سیر تصاعدی‌است ونتیجه و معلول مستقیم و روشن‌و غیر قابل انکار نفسانیات وخود پرستیها و غرور انقلابی! و غفلتهای پس از پیروزی و انتقامجوئی و ریاست طلبی و بسیاری از منشهای پشت این سردمدار بی ظرفیت تازه به‌دوران رسیده واحیانا" دو روززندان‌رفته! ویاآن‌فرماندار عقده‌ای جهش وار به ریاست رسیده، التقاطی پرمدعا می‌باشد وبه هزار و یک دلیل نه مستقیما" ونه غیر مستقیم هیچ ربط و ضبطی به عمال استعمار و عوامل امپریالیسم وایادی صهیونیسم ندارد، با شعار واحساس بدانها ربط دادن، می‌تواند ذره‌ای از آنهمه معضلات را بکاهد و شگردهای روز افزون ضد اسلامی را با پشتوانه اسلام واجراء دست آوردهای انقلاب؟!! مانع‌گردد؟!

برادر! شاید یکی از جرائم نابخشود نی این‌حقیر چه در سال‌های سیاه خفقان پس از ۱۵ خرداد سال ۴۲ و چه بعد از ۲۲ بهمن سال۵۷ و پیروزی معجزه‌آسای انقلاب اسلامیمان همین است که‌مایلم بدور از هر گونه "جهت‌گیری" مبنی بر باند بازی‌وگروه‌گرائی، "واقعیات" را آنطور که هست به‌بینم و "بودها" را آنطور که باید تنها با معیارها وضوابط اسلامی بازشناسم!!

جرم دیگر من اینست‌که دراین ۱۸ سال نهضت (که شاید باور شما چیز دیگری باشد؟! اما تنها خدامی‌داند که حتی یک روزش را از مبارزه و حرکت غائب‌نبودم) هیچگاه تن به گروه‌گرائی ندادم و از باندبازیهاو تحربها که همواره با مفهوم انحصارطلبانه‌و مغرورانه و تک عامل گرایانه‌ی "اینست و جز این نیست" همراه بوده و انسانرا موظف میکند که هم تولی! داشته باشدو هم تبری متنفربوده و هستم و برای امام که روحی فداه مریدی و عاشقی مخلص و دلباخته‌ای هدفی مبنائی بوده‌ام، امام را برای خودم نمی خواستم، عشقم و اخلاصم وارادتم به رهبربه خاطر دینم واعتقادتم و طرز تفکرم بوده و هست وخدای را سپاس می‌گویم که حتی یک آن را بیاد ندارم که طرفداری از امام خمینی را برای‌خویش وسیله وجهه و آبرو و رذیلانه ومشرکانه‌وسیله‌مغازه‌وتجارت!! قرار داده‌باشم...

شما اگر قدری به سالهای گذشته برگردید و منصفانه بیاندیشید بخوبی به بافت روحی و ساخت فکری من پی خواهید برد... من همواره در جبهه داخلی اعتقادی راستین به "رحماء بینهم" داشته و دارم و چوب این‌باور را که از جان قرآن نشات گرفته است زیاد خورده‌ام و حتی به اتهاماتی ناجوانمردانه و غیر انسانی نیز متهم‌گشته‌ام! اما چه باک که اگر در راه خدا و برای او باشد ازجان و دل پذیرایم و گرنه بگذار بیش از این بگویند که سزاوارم!...

ولی دوست عزیز و دیرینه‌ام! چگونه میتوانم در انقلاب اسلامی شاهد همراه‌با درد و رنج انزوای صداقت‌ها و صراحت‌ها و آزادگیهاونزدیکی ومقرب‌الخاقان بودن هرچه بیشتر چهره‌های متملق، فرصت طلب، و ریاکار و مزورباشم و لب فرو بندم ویاآنرابا تحلیل های علمی و فلسفی به‌استعمار و به عمال صهیونیسم منتسب کنم!؟

این احساس کشنده‌را با چه کسی در میان بگذارم وبه که بگویم و کجا بگویم!؟ که امام را دارند بیش از اندازه خرج میکنند! و خط امام که همان خط‌اسلام علی وخاندان پیامبر و خط‌اسلام محکوم‌تاریخ است و قبل از ویژگی‌های تاکتیکی و رادیکالی وسازش ناپذیریش از خصایص زیر بنائی تقوی و صداقت واخلاص برخوردار میباشد، احیانا" به صورت‌سلاحی درآمده است برای کوبیدن وکنار گذاردن واز آبرو وحیثیت انداختن ویادرشکل سپری و سنگری برای فرصت‌طلبان و منافقان!

آیا دراینجا من نباید فریاد برآورم که بیایند خط امام را مشخص و تعیین کنیم تا برای همه قابل پیروی گردد، نه اینکه‌در محدوده افکار و سلیقه های گروهی محدود و زندانی شود!

۳ـ دارد آثار به فراموشی سپردن اصالت‌های اسلامی کم‌کم‌ظاهر میشود!

مگر نه این بودکه آنگاه ما توانستیم بر طاغوت چیره گردیم و رژیم منحوس و ارتجاعی ۲۵۰۰ ساله شاهی را به زباله‌دان تاریخ بیافکنیم که به مبارزات ضداستبدادی و ضد استعماری خویش بعد ایدئولوژیکی‌وفرهنگی‌واخلاقی دادیم و این اعتقاد راستین را در دل‌های نسل بپاخاسته زنده نمودیم که‌شهادت یعنی: زندگی جاودان و آرمیدن در جوار رحمت حق...

چه شد که پس ازپیروزی روز بروز سستی و کاهلی بوجود آمدو بی تفاوتان وناراضیان و سست عقیده‌شدگان روزافزون شده‌اند! آنها که دیروزاسلحه بدست گرفته بودند امروز قلم واندیشه بکارگرفته و مشغول

بقیه در صفحه ۳

داستان مصدق و هریمن

۹

تالیف : ورنن ـ س ـ والتر
ترجمه : حسن شهیدی

مذاکرات ما غالبا قطع میشد زیرا مقتضیات کاربیشتر اوقات باعث میشد که ژرژمک‌کی بواشنگتون احضار شود. در جریان یکی از ایام غیبت او "یکی‌ازاعضای‌هیئت‌امریکائی در ملل متحد (ارنست گروس) سفیر "بملاقات من آمد .او با بیشتر مردم هم عقیده بود (یعنی‌معتقد بودکه‌اگرمرابگذارند باین پرونده مشغول شوم بزودی بان سرو صورتی میدهم) من هم این نظر را داشتم .او بمن گفت والتر من میخواهم که امروز بعدازظهر ترتیب یک ملاقات رابادکترمصدق‌برای من بدهی. من‌میدانستم‌که‌همه‌میکوشند تا وارد صحنه بازی شوند "اما چون گروس سفیر کبیر بود ومن‌سرهنگ‌دوم‌بودم مصدق با ملاقات او موافقت کرد و ساعت ۱۶ راوقت‌داد.در ساعت معهود ما وارد اطاق مصدق شدیم . وقتی گروس بتختخواب نزدیک میشد دیدم دستهای مصدق که روی‌سینه‌اش چلیپاوار قرار داشت ارتعاشی مختصر دارد و این‌امرعلامت بسیار بدی بود و معمولا نشانه بی‌توفیقی در گفتگو بود. گروس دست مصدق راگرفت‌وباوگفت‌من‌سفیر" (ارنست‌گرس) هستم" من یک دوست میباشم" من میخواهم برای‌حل‌مسئله نفت کمک کنم "من میخواهم هرچه در قدرت دارم بکاربرم تا شما برای ملت ایران سود عادلانه بدست آورید. مصدق با بی‌اعتمادی از پشت بینی بزرگ خود او را وراندازکرد و پرسید (سفیرکبیر،شما سفیر کبیرهستید؟درکدام‌کشور؟). او گفت در آتازونی. مصدق بشنیدن این سخن فریادی‌بلند کشید گوئی زخم خنجر خورده بود واشک‌ازگونه‌هایش‌سرازیر شد. من چنین سیل اشکی هرگز ندیده بودم .گروس‌جاخورد من نتوانستم خودداری کنم باو گفتم آقای سفیر کبیرگمان نمیکنم امروز بتوان مذاکرات را تعقیب کرد . او گفت "خدای بزرگ" من نیز گمان نمیکنم "سپس خطاب بمصدق گفت ما روز دیگر که حال شما بهتر باشد باز میگردیم .

وقتی از اطاق بیرون میرفتیم سفیر از من‌پرسید غالبا اینطور میکند؟ گفتم عجب من تاکنون‌دیده‌ام که‌گریه‌میکند اما هنوز در جلسه‌ئی که اینگونه دچار بحران گریه‌شود‌حضور نداشته‌ام .گروس بمن گفت‌راستی ؟اماخواهشمندم بهیچکس نگوئید که او با من چنین کرد.

مصدق بواشنگتن رسید" سفارت ایران بمناسبت ورود او جزوهٔ کوچکی تحت نام(مصدق‌ژرژ واشنگتن ایران) منتشر ساخت. قانون ایران در آن زمان چنین بودکه اگرکسی‌بسن هفتادسالگی برسد نمیتواند نخست وزیر شودو نه میتوان او را اعدام کرد. عدهٔ زیادی از اهل تهران بمن‌گفتندکه‌برای جشن تولد ۶۹ سالگی مصدق دعوت شده بودند. این سن سنی بودکه مصدق بیش از آن نداشت و دست کم پیش از آنکه باتهام ایجاد شورش بمرگ محکوم گردد در آنوقت اعلام کردکه او بیش از هفتاد سال داردو بنابراین نمیتوان او را محکوم بمرگ کرد.

در آن جزوه که با خوشحالی بمن نشان داد گفته‌شده بود (دکتر مصدق درسال۱۸۸۴ درتهران متولد شده‌است) او کی بود؟او یک معلم خصوصی بود" سپس در سوئیس دانشجو بودو از دانشگاه (نوشاتل) دیپلم علوم سیاسی گرفت " سپس بایران بازگشت و پیش از آنکه در ۱۸۹۶ استاندار فارس‌شود یک حقوقدان بود.

او بمن چشمک زدو گفت (این‌کار برای یک پسر بچه ۱۲ساله بد نیست).

مذاکرات واشنگتن هیچ فائده‌ئی نداشت و روشن بود که مصدق وضعی نداشت که هیچ موافقتی را بپذیرد.

یکروز پیش از عزیمت او هریمن از من تقاضا کرد که تنها بروم او را ملاقات کنم‌و آخرین کوشش را بعمل آورم. من هم احساس کردم که بمن این شانس داده شده است" و مثل بسیاری از مردم میپنداشتم که میتوانم مسئله ایران را حل کنم. وقتی نزد او رفتم بمن گفت (میدانم چرا اینجا آمده‌اید" پاسخ همیشه منفی است) سپس مرا دعوت کردکه یک فنجان چای بنوشم. هنگامیکه گفتگو میکردیم ناگهان بمن گفت " میدانید شب گذشته تمام شب از اطراف مهمانخانه صدای تیر میشنیدم. من پاسخ دادم ، آقای‌دکتر مصدق شاید صدای ترقه بوده و قطعا" صدای تیر نفنگ نبوده. گفت والتر خوب از وطنتان دفاع میکنید" من صدای تیر را میشناسم و شب گذشته این صدا را شنیدم. من بهیچوجه نتوانستم او را متقاعد سازم که صدای تیر نبوده. بازهم مدتی کوتاه گفتگو کردیم وباز بمن گفت نمیتواندوضع خود را تغییر دهد. باو گفتم آقای دکتر مصدق شما مدتی است دراینجا هستیدهمه امیدوارند که ملاقات شما نتایج مفیدی ببار آورد اما اکنون با دست خالی بایران بازمیگردید.

او با نگاهی نافذ بمن نگریست وگفت نمیدانید اگر با دست خالی بایران بازگردم خیلی نیرومندتر از وقتی خواهم بود که باموافقتی بایران بازگردم " زیرا آنوقت‌باید بمردم متعصب کشور خود بقبولانم.

دنباله دارد

انتقامجویی و ...

بقیه از صفحه ۲

ارائه‌ی هرچه گسترده‌تر ایدئولوژی و جهان بینی‌خاص خویش به نسل سرگردان پس از انقلاب ! چرا مساجد و محافل مذهبی خالی شد!؟ و آنها که میبایست درپایگاه مسجد و محراب به نشان دادن ایدئولوژی و فرهنگ مشخص و مرزبندی شده اسلام بپردازند به‌رقابت های سیاسی‌ومنازعات برسر احراز قدرت پرداخته و عنان اعتقادات جوانان را بدست گروه چپ و یا مدعیان پیروی از " اسلام راستین" سپردند!؟

نمیدانم شما براثرکثرت اشتغالات پس از پیروزی توانسته‌اید به این پدیده سهمناک و بشدت نگران‌کننده اجتماعی پی‌ببرید که این روزها طرفداران تز کهنه و استعماری "جدائی دین از سیاست " با سر افرازی سربر آورده و مریدانی بمراتب بیشتر از سابق برای خود دست و پا کرده و با تکیه روی پاره‌ای از مسائل موجود وواقعیات عینی، میگویند :ما سالها نمی‌گفتیم که روحانیت نباید درسیاست دخالت کند؟ حالا دیدید؟ فهمیدید؟ بفرمائید!؟

میدانید اندوه و تاثرم در کجاست؟ تمام اندوه‌عمیقم اینست که دارد آثار به‌فراموشی سپردن ارزش‌ها و اصالت‌های اسلام راستین ، اسلام علی و اسلام خمینی کم‌کم ظاهرمیشود شایعات ،برچسب‌ها،اتهامات و نسبت‌های ناروابابن مسلمان و آن مسلمان ،فضائی را مملو از بی ایمانی و سوءظن‌وکینه توزی بوجود آورده است که من بسهم خود بیاددارم که سطح عرفان و معنویت جامعه‌ی ما ، هیچ زمانی بیش از این زمان پائین آمده باشد !که اگر هرچه زودتر و در پرتو دست یازیدن به یک انقلاب‌فرهنگی و اخلاقی بدین‌نابسامانیهای انقلاب برباد ده پایان داده نشود، در آینده یک شخصیت آبرومند ملی و اسلامی باقی نخواهد ماند... امروز نوبت دکتر... فردا نوبت مهندس ... و پس فردا قرعه‌ی فال بنام فلان حجت‌السلام و فلان آیت‌الله و بالاخره آیت الله العظمی و مرجع تقلید و روز بعد هم بطور قطع به سراغ امام خواهند رفت... که چنین روزی مباد! شما گمان نمی کنید که ما براساس یک بعدی اندیشها و یکسونگریهای زیانبار و بهمراه غفلت وغرور، تنها مبشر بودیم وبه بشارت پرداختیم وحال آنکه میبایست پیامبروار هم "منذر" باشیم و هم " مبشر" و آیا اینک موقع آن نرسیده است که با تکیه به بعد" انذار "رسول گرامی اسلام (ص)افرادوگروه ها و بویژه دست‌اندرکاران را از " واقع " های انحرافی بترسانیم و به آنها هشدار دهیم که اگر در سایه جهاد اکبر و مبارزه با نفس اماره و خودپرستی‌ها و تک محوریها نتوانیم خط صداقت ، تقوی و اخلاص امام را پاسداری کنیم ، بطور حتم برای بار دیگر وارثان نا بحق ومتولیان جورو ستم چهره مینمایند و بنا بگفته امام :

قیم وولی ما خواهند شد؟!

و بترسیم از آنروزی که براثر کثرت نارضایتی‌هاوعدم امنیت‌های شغلی و قضائی و سیاسی وهرج‌ومرج‌های‌گونه‌گون و ناروائیهای معلول شگردهای غیر انسانی خودما ، مردم در آرزو انتظار دیکتاتوری دیگر باشند؟!

۴ـ فرمانروائی گروه عمامه بسر

در اطراف واکناف‌ایران اینطور مشاهده میگردد که برداشت از اصل اسلامی و مترقی " ولایت فقیه" درشکل حکومت و فرمانروائی یک گروه یعنی طبقه عالم و عمامه بسر جلوه نموده است و با کمال تاسف این فرمانروائی بطور معمول‌وغالب‌همراه‌باشگردهائی بوده است که مردم را نسبت به این طبقه بدبین‌کرده‌است و نگران کننده آنکه اگر وضع بهمین منوال ادامه یابد و روحانیت افتخارآفرین تشیع که در طول قرن‌ها دردل‌ها جا داشت و برقلب‌ها حکومت می‌راند ، قربانی‌ندانم‌کاری‌ها و جاه طلبی‌های‌معدودی‌عمامه بسر شود بیم آن می‌رود که بهمان سرنوشتی مبتلا گردد که روحانیت مسیحی قرون وسطی و دوران فرمانروائی محکمه تفتیش عقائد و انگیزیسیون ! که خدا چنین وضعی را نخواهد!

برادرتان علی حجتی کرمانی

۲خردادماه ۵۹

آقای وزیر بهداری ...

بقیه از صفحه ۲

و ریه او وجود دارد. به دکتر قلب ،ریه، داخلی، جراح مراجعه میشود آزمایش‌ها شروع و پشت‌سرهم‌ادامه پیدا میکند بیمار روز بروز ضعیف‌تر و آزمایش‌ها ادامه دارد تشخیص مشکوک است پدر و مادر زحمتکش‌و مهربان حدود ۱۵۰ هزارتومان قرض میکنند. و با تلکس‌دریکی از بیمارستانهای لندن‌جاتهیه‌می‌کنند بگذرنامه مراجعه‌میشود‌کارکنان گذرنامه درکمال‌صفا و صمیمیت‌همکاری میکنند. رئیس گذرنامه :چون سن‌مریض چندروزی از ۱۸سال کمتر است حق خروج ندارد. شورای‌پزشکی رسیدگی واجازه صادر می‌کند. رئیس گذرنامه قبول ندارد. شخص وزیر ـ بهداری باید بنویسد. فامیل همه‌در تلاشند بوزیر دسترسی نیست به معاون وزیر مراجعه میگردد.مجددا پرونده‌به‌شورای پزشکی احاله میگردد. شورای پزشکی‌هر۱۵ روز یکبارتشکیل میگردد.

بیمارضجه می‌زندنفسش بیرون‌نمی‌آید. دستگاه‌اکسیژن استفاده میشود. سرفه امان نمی‌دهدفامیل همه‌در تلاشند بهرکس‌متوسل‌می‌شوند استدعا میشود، آقای رئیس‌گذرنامه ترابخدااجازه دهید: مقررات اجازه نمی‌دهد. بروی‌یک‌بیمار ضعیف و ناتوان از آنهمه گرسنگی دادن‌ها و آزمایشها، جراحی صورت میگیرد. وقتی دربهشت‌زهرا این‌گل‌پرپرشده را دفن می‌کردند فامیل دو گذرنامه یکی برای پدر یکی برای‌مادرمی‌آوردند، امابرای مریض هنوز موافقت نشده.

ریشه‌ها وعلل اقتصادی انقلاب ایران

دکتر علی رشیدی

جنگ اعراب و اسرائیل دراکتبر۱۹۷۳ و همزمان‌باآن اعمال تحریم نفتی اعراب علیه ایالات متحده آمریکا و سایرمتحدان‌اسرائیل که‌باعث آشفتگی‌بازار عرضه و تقاضا و قیمت نفت در سطح جهانی شدبرای ممالک عضو اوپک‌این فرصت طلائی را بوجود آورد که یکباره به‌خواسته‌های پانزده‌ساله‌خود‌درموردافزایش واقعی قیمت نفت و استقلال در تعیین‌آن برسند و باچهار برابر کردن قیمت بزرگترین ضربه اقتصادی و مالی را بر پیکر دنیای صنعتی استعمارگر فرود آورند و برخلاف کشف آمریکاکه سیل طلا و نقره رابه سوی‌اروپا سرازیر کرد این بار سیل‌طلا و ارز بسوی ممالک خاورمیانه و سایر ممالک اوپک سرازیر شود. این‌اقدام سریع و قاطعانه‌اوپک که یکباره درآمد ارزی ایران از محل صادرات‌نفت‌و گاز را از۲۴۶۰ میلیون‌دلار در سال ۱۳۵۱به ۱۸۶۵۴میلیون‌دلار درسال ۱۳۵۳ رساند و طی دوره پنجساله برنامه پنجم (۱۳۵۶ ـ ۱۳۵۲) جمعا ۸۴۲۷۰ میلیون دلار عاید مملکت کرد با بهمزدن کلیه ارتباطات و روابط و ضوابط ساخته شده برای حفظ رژیم خودکامه‌پهلوی‌درواقع‌موجبات زوال‌و انهدام‌رژیم رابدست خودسرمداران و گردانندگان آن فراهم ساخت.

رژیم‌خودکامه شاه‌بدون توجه‌به امکانات‌فیزیکی‌کشور، مصرف‌بی‌رویه و شتابزده ودر بسیاری موارد غیر ضروری درآمدهای‌نفتی‌را چه‌درداخل کشور وچه‌در خارج‌شروع‌کرد. بودجه دولت بیش از پیش‌به درآمدنفت‌متکی شد و مخارج جاری دولت قسمت مهمی از درآمدنفت‌را بلعید. ازطرف دیگر بخش خصوصی بااعمال نفوذ و فشار اعتبارات‌سیستم بانکی را بیش از پیش بخود اختصاص داد و سیل قدرت خرید روانه‌بازاری‌شدکه‌بواسطه مجدودیت‌های زمانی، فنی و جغرافیائی کالاها وخدمات کافی برای‌جوابگوئی به‌اینهمه افزایش تقاضای مؤثر ظرفیت نداشت و در نتیجه فشارهای تورمی موجود در جامعه را بشدت افزایش داد. توسعه سریع تقاضا و بالا بودن‌سود، سرمایه‌گذاران را به‌سرمایه‌ـ گذاری‌بیشتر تشویق کرد ودر نتیجه‌تقاضابرای عوامل‌تولید نیزبسرعت بالا رفت‌وبواسطه وجود تنگناهای داخلی و وابستگی تولید داخلی به واردات با قیمتهای فزاینده بین‌المللی‌قیمت عوامل‌تولید افزایش‌یافت‌و این خودهزینه تولید را بالا برده و عامل جدید و مکملی به فشارهای تورمی افزود.

هدف طرح اولیه‌برنامه پنجم‌رشدی حدود ۱۱ درصد بود ،پس‌از افزایش قیمت‌نفت هدف رشد تولید ناخالص داخلی۲۵/۹ درصد تعیین گردیدوبرای‌تامین‌آن‌سرمایه‌ـ گذاری ثابت حدود ۴۷۰۰ میلیارد ریال در نظر گرفته شد. مشکل کمبود نیروی انسانی درکشاورزی‌بطل‌مختلف و عدم توجه واقعی به مسائل ونیازهای‌این‌رشته سهم‌بخش کشاورزی از تولید ملی را از ۲۲درصد به ۱۵ درصد در پایان برنامه رسانید.

برنامه‌های جاری و عمرانی‌دولت در سال ۱۳۵۵ کم و بیش در حدود برنامه پیش بینی شده ولی توام با عدم تعادل‌های و تورم اجراء گردیدو درآمد ملی بقیمت ثابت حدود ۱۷ درصد رشد کرد. بدبختی‌های رژیم در واقع‌از سال۱۳۵۶ و درارتباط باکاهش تولیدوصادرات نفت که تمام قدرت وجودی‌و بقاء سیستم‌به‌آن وابسته بود آغاز گردید و بطوریکه ذیلا" بطور خلاصه‌نقل‌میگردد قبل‌ازپایان سال ۱۳۵۶ شیرازه کلیه امور اقتصادی‌مملکت‌وتعادل وثبات آن از هم پاشیده شده بود و اقدامات عاجزانه دولت وقت و دولتهای مستعجل سال ۱۳۵۷ قادر به دادن نظم‌و قاعده به حیات اقتصادی و سیاسی‌کشور نبودندوبالاخره انقلاب‌عظیم و شکوهمندملت ایران‌رشته‌های‌پوشالی حیات رژیم فاسد و خودکامه راپاره کرد. مهمترین نشانه‌های سقوط و اضمحلال رژیم‌در سال ۱۳۵۶

۱ـ تقلیل‌صادرات‌نفت

دراثر رکود اقتصادی غرب‌که باعث‌کاهش‌تولید درمهمترین بخش اقتصاد و کاهش رشد اقتصادی‌مملکت که کلا" متکی به نفت است شد و میزان رشدرا از حدود ۱۷ درصد مربوط به سال ۱۳۵۵ به کمتر از ۲ درصد رساند.

۲ ـ کاهش سرعت رشد تولیدات غیرنفتی و عرضه داخلی

۳ ـ کاهش سرعت رشد تقاضای‌بخش‌خصوصی وبعکس سریعتر شدن تقاضای بخش دولتی بمنظور ظاهرا اتمام پروژه‌ها و برنامه‌های مربوط به برنامه پنجم در آخر سال که‌جز به‌هدر دادن‌ثروت‌ملی و امکانات‌دولت حاصلی‌ببار نیاورد. در این سال رشد سرعت‌هزینه‌های دولت از۱۹ درصدمربوط به‌سال ۱۳۵۵به ۲۹ درصد افزایش یافت. در این‌سال‌رشد سرمایه‌گذاریهای دولت‌به ۵۶ درصد بالغ شد.

۴ ـ تورم شدیدوافزایش بی‌رویه‌قیمتهاکه شاخص‌بهای کالاها و خدمات مصرفی رابا نرخ‌سالانه‌ای حدود ۳۰درصد افزایش داد. تورم در بخش ساختمان‌بیش از سایر بخشها بود و شاخص بهای مسکن که در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۵/۹ درصد رشد داشت در سال ۱۳۵۶به ۳۷/۸ درصدرسید. شاخص بهای خوراک ۲۰/۶ درصدو شاخص‌مزد کارگران ساختمانی۳۴ درصد بالارفت.

۵ ـ سرازیر شدن‌منابع مادی‌و انسانی جامعه به‌بخش ساختمان و ایجاد تنگناهای فراوان برای سایر بخشها.

۶ ـ توسل دولت به استقراض‌داخلی‌وبین‌المللی : ۵۶ درصد رشدهزینه‌های دولت در مقایسه بارشد حدود ۱۱ درصد درآمدها اتکاء دولت‌وشرکتهاو موسسات دولتی‌یاقرض دولت ازسیستم بانکی‌را مخصوصادراسفندماه ۱۳۵۶ سریعا افزایش داد. خالص‌بدهی دولت به‌سیستم بانکی که در ۱۱ ماه اول سال حدود۹ میلیارد کاهش‌داشت در اسفند ماه ۲۲۷ میلیارد ریال بالا رفت.

۷ ـ افزایش‌عظیم‌حجم پول‌در حدود ۲۹ درصد، بیشتر بمنظور تامین نیازهای دولت.

۸ ـ کاهش‌رشدفعالیت‌های‌تولیدی‌کشاورزی و تقلیل عرضه‌ازمحل‌تولیدات‌داخلی.

در سال ۱۳۵۶ عوامل جوی‌نامساعد، افزایش شدید هزینه تولید و بخصوص مزد کارگران ،تولید برخی ازاقلام عمده‌محصولات زراعی مانند گندم وجو، برنج و حبوب را کاهش‌دادو در مجموع ارزش افزوده بخش کشاورزی ۰/۸ درصد نسبت به سال قبل تقلیل یافت.

۹ ـ کاهش‌رشدفعالیت‌های صنعتی : کمبود برق و مسائل تنگناهای زیربنائی و کمبود و گرانی کارگر ماهر باعث‌شد که رشد فعالیتهای صنعتی کاهش یابد و رشد شاخص‌تولید در کارگاههای بزرگ‌صنعتی‌از۱۷درصدمربوط به‌سال ۱۳۵۵ به ۱۱ درصد رسید ۱۰ ـ سقوط رشدسرمایه‌ـ گذاری در بخش ساختمان : عوامل متعدد مانند گرانی مصنوعی قیمت واحدهای مسکونی و بی‌تصمیمی دولت‌در مورد‌وضع‌زمین و مسکن باعث شدکه نرخ رشدسرمایه‌گذاری ساختمانی بخش خصوصی به قیمت ثابت در مناطق شهری از حدود ۳۲ درصد مربوط به سال ۱۳۵۵ به ۷ درصد در سال مورد بحث تقلیل یابد و در نتیجه رشد ارزش‌افزوده بخش ساختمان از حدود ۲۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به‌فقط ۳درصد در سال ۱۳۵۶ سقوط نماید.

۱۱ ـ افزایش‌پرداخت‌های‌ارزی و کسری موازنه‌ارزی کشور : درسال۱۳۵۶پرداخت ارز برای واردات با وجود کاهش‌ثبت سفارش۱۲ درصد افزایش‌یافت‌که‌سه‌برابرسرعت رشد سال قبل میباشد و رقم آن‌به ۱۸میلیارد دلاررسید. پرداخت ارز بخش دولتی۱۶ درصدرشد داشت در حالیکه در سال ۱۳۵۵ حدود۳درصد تقلیل یافته بود. افزایش پرداخت ارز برای واردات و بخش دولتی توام با افزایش پرداختهای ارز برای‌خدمات مجموع پرداختهای ارزی را ۲۲درصد افزایش داد و به ۲۴/۷ میلیارد دلار رساند و در نتیجه مازاد ارزی کشور را از ۴/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ به ۱/۳ میلیارد دلار رساند ولی با توجه به استقراض‌مستقیم‌و غیرمستقیم حدود ۳۸۸۱ میلیون دلارارز توسط بخش‌دولتی و خصوصی ازخارج‌که‌بیش‌ازدو برابرمیزان مربوط به‌سال ۱۳۵۵ میباشد موازنه ارزی کشور درواقع بیش از۲/۵میلیارددلار منفی‌بوده است.

۱۲ ـ افزایش‌کسربودجه دولت : بواسطه‌انجام مخارج بیهودوبی‌رویه‌کسربودجه‌دولت‌که در سال ۱۳۵۵ فقط ۳۷/۶ میلیاردریال‌بوددرسال۱۳۵۶ به۳۸۸/۵میلیاردریال‌افزایش یافت‌که ۳۵۰ میلیارد بصورت دریافت وام از منابع داخلی تامین گردید.

۱۳ ـ کاهش‌رشداشتغال : درسال۱۳۵۵از ۳۳/۲میلیون جمعیت کشور حدود ۸/۸ میلیون نفرآن شاغل بودند که تعداد افراد شاغل ۳۰۵ هزار نفر نسبت‌به سال قبل بیشتر شده بود ولی در سال ۱۳۵۶ودرسال ۱۳۵۷افزایش اشتغال‌به حدود ۲۰۰ هزار نفر محدود شد که با توجه به‌افزایش جمعیت و نیروی‌کار مسئله‌بیکاری‌افرادواجدشرایط کاردرشهرهاحائز کمال‌اهمیت میباشدو وجود این بیکاران نقش‌تعیین‌کننده‌ای در اوج‌گیری‌تظاهرات‌وبه ثمررساندن انقلاب داشته است.

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۵۹
شماره ۲۲ صفحه ۴

پیام جبهه ملی
نشریه سیاسی

صاحب امتیاز : دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول : اصغر پارسا
نشانی : خیابان کارگر (سمیری) نزدیک صدای انقلاب
تلفن : ۹۲۱۲۰۰

پیام امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی طرحهائی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده‌شود و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال بعضی از دیون خودتان را به این طبقه‌عزیزکه‌جان خود رابرای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی‌رابرای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند ادا کرده باشید.

۳ ـ شما منتخبین مجلس که از پشتیبانی جدی ملت عزیز برخوردارید باید باکمال قدرت در مقابل قدرتهای شیطانی که در رژیم دست ـ نشانده سابق که حاکم برسرنوشت ما بودند بایستند و از هیچ قدرتی غیر از قدرت خداوند قاهرنهراسید و جز به مصالح کشور به‌چیز دیگری فکرنکنید و متوجه باشید که در خارج از مجلس باصحنه‌سازی‌ها و اغفال‌چه بسا چپ گرایان ویاراست‌ـ گرایان و یا ریشه‌های فاسد رژیم سابق طمع کندتا بانفوذ در مجلس مقاصدشوم اجانب را تحمیل نمایند باید همه با هوشیاری در طرحها و مسائل روز دقت فرمائید و از کید دشمنان به خدای تعالی پناه ببرید ، خداوند متعال همه‌ما را از لغزشها نگهدارد.

۴ ـ بحمدالله در مجلس دانشمندان و علمای آشنا به احکام شرع مطهر حضوردارند وفقهای نگهبان حاضرند . لکن لازم است طرحهائی که در مجلس میگذرد مخالف با احکام مقدسه اسلام نباشد و باکمال قدرت با پیشنهادهای مخالف با شرع مقدس که ممکن است از روی ناآگاهی و غفلت طرح شود شدیدا مخالفت نمائیدو از قلم‌های مسموم و گفتار منحرفین هراسی نداشته باشید وسخت خالق را برای رضای مخلوق تحصیل نکنیدوخداوند قاهر و قادر را حاظر و ناظر بدانید.

۵ ـ این مجلس که اولین دوره درجمهوری اسلامی است الگوئی است برای مجالس آینده و هر سنت حسنه و یا سیئه‌ای ممکن است درمجالس دیگر اثر گذارد و برای شما اجر جزیل و یا خدای نخواسته و زر وبال به‌بار آورد . لازم است در مذاکرات و برخورد آراء بطور آرام و با احترام متقابل عمل شود نه مثل دوره‌های رضاخان و بعد ازآن ولازم است از دسته‌بندی‌ها و جهت‌ـ گیری‌های غیر اصولی برای کوبیدن طرف مقابل جدا اجتناب شود که تنها حل مسائل در محیط آرام امکان پذیر است.

۶ ـ ویژگی این مجلس و محیط کشور دراین دوره ایجاب می‌کند که مجلس و دولت هم آهنگ شده تا بر مشکلات کشور فائق آیند و هیچیک ازنهادهای جمهوری‌ـ اسلامی خصوصا مجلس و رئیس جمهوری و دولت برای یکدیگر و دیگران کارشکنی نکنندو خود را بطور جدی در خدمت اسلام و کشور درآورند تا خدای متعال آنها را پشتیبانی فرمایدوندای آسمانی انسان ساز و " واعتصموا بحبل‌الله جمیعا و لاتفرقوا " را در نظر داشته و اطاعت نمایند و از منازعه و تفرقه اجتناب نمایندو به‌امرآموزنده الهی گوش‌فرادهندو "لاتنازعوا و فتفشلو او تذهب ریحکم "که دنباله تنازع فشل و شکست و رفتن رنگ و بو و آبروست.

۷ ـ سیاست نه شرقی و نه غربی‌را در تمام زمینه‌های داخلی و روابط خارجی حفظ کنیدوکسی‌راکه‌خدای نخواسته به‌شرق و یا غرب گرایش‌دارد هدایت کنید و اگر نپذیرفت او را منزوی نمائید و اگر در وزارت خانه‌ها و یا نهادهای دیگرکشور چنین گرایشی باشد که مخالف مسیر اسلام و ملت است اول هدایت و در صورت تخلف استیضاح نمائیدکه‌وجود چنین عناصر توطئه‌گر درراس امور یا در پستهای حساس موجب تباهی کشورخواهدشد.

۸ ـ طرحها و پیشنهادهائی را که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصا مستضعفین است ، انقلابی‌وبا سرعت تصویب کنید و ازنکته سنجیها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امراست اجتناب نمایندوازوزارتخانه‌ها و ماموران اجرا بخواهید که از کاغذبازیها و غلط کاریهای زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب‌ـ افتادگیهای آنان را بطور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.

۹ ـ در ادارات دولتی قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق یا تعطیل امور شده و میشودو جامعه‌را به‌تنگ‌آورده است ، بطور انقلابی لغوکنید گرچه خودلغواست ، و بجای آنها قوانین مترقی را که‌رفاه ملت در آنها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد جایگزین گردانید.

۱۰ ـ مجلس جمهوری‌ـ اسلامی همانسان که درخدمت مسلمین است و برای رفاه‌آنان فعالیت می‌نماید ، برای رفاه و آسایش اقلیتهای مذهبی که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند ، اقدام و فعالیت مینماید و اساسا آنان با مسلمانان در صف واحد برای کشور خدمت میکنند ودر صف واحداز تمام ارزشها و مآثر آن برخوردار میباشند.

۱۱ ـ از حضرات فقهای نگهبان تقاضا میشود که در ماموریت مهم خود بهیچوجه ملاحظه اشخاص و یا گروههای انحرافی‌را ننموده و به وظیفه بسیار خطیر خودقیام واقدام نموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایندوخدمت خودرا باقدرت تمام درپیشگاه خداوند متعال و ولی مطلق او حضرت ولی‌الله اعظم امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه شریف عرضه دارند.

از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و کشور عزیز راخواستارم . والسلام وعلی‌ـ المسلمین و علی عباد الله‌ـ الصالحین.

چهارشنبه ۷ خرداد ماه ۵۹ ، سیزدهم رجب ۴۰۰
روح‌الله الموسوی الخمینی

ملاقات یکساعته برونوکرایسکی و دکتر سنجابی

برونوکرایسکی صدراعظم اتریش و معاون جامعه‌انترناسیونال سوسیالیستهای اروپا که برای دیدار با دکترابوالحسن بنی‌ـ صدر رئیس جمهوری ایران و سایر مقامات کشور به ایران آمده بود ، ساعت ده صبح روز دوشنبه گذشته بمدت یک ساعت با دکتر کریم سنجابی ملاقات و گفت‌وگو کرد.

دراین ملاقات که‌اولاف پالمه نخست وزیر سابق سوئد و خوزه‌کنترالس رهبر سوسیالیست های اسپانیا نیز حضورداشتند راجع به ایجاد حسن تفاهم کشورهای اروپائی با انقلاب اسلامی ایران مذاکراتی بعمل آمد.

این دیدار بمدت یک ساعت ادامه یافت.

تغییر روز سخنرانی هفتگی جبهه ملی

روز پنجشنبه گذشته‌جلسه سخنرانی هفتگی در تشکیلات مرکزی برگزار شد در این جلسه بعلت تغییر فصل و شروع تعطیلات تابستانی از حاضرین در مورد تغییر روز جلسه سخنرانی نظر خواهی بعمل‌آمد ، در این نظر خواهی کتبی اکثریت حاضران نسبت به روز یکشنبه اظهار تمایل نمودند ، بنابراین جلسه سخنرانی هفتگی از هفته‌آینده در روزهای یکشنبه ساعت ۶ بعدازظهر در محل تشکیلات مرکزی جبهه‌ـ ملی برگزار خواهدگردید و در پنجشنبه این هفته سخنرانی نخواهیم داشت . در روز یکشنبه ۵۹/۳/۱۱ آقای دکتر محمد دادبه در باره نقش قانون در جامعه‌سخنرانی خواهند نمود.

گفت و گوی

بقیه از صفحه ۱

طوماری از طرف هیات علمی دانشگاه وبالاخره در هفتم آذرماه ۵۸ ابلاغ این جانب را صادر و از آن تاریخ آغاز بکار کردم.

در طول مدتی که سرپرستی دانشگاه را به‌عهده داشتم دوبار عوامل تحریک شده مقامات غیر مسئول به دانشگاه حمله کردند. در درگیری اول بیش از پانزده نفر از دانشجویان زخمی شدند و در درگیری اخیر بیش از ۶۰۰ نفر زخمی شدند ویک‌دانشجو هم براثر اصابت گلوله شهید شد. دکتر ادریسیان اضافه کرد دراین درگیری دوم آنچه بیش از هرچیز دیگر به چشم میخورد مسئله عدم احساس مسئولیت وزارت فرهنگ و آموزش عالی نسبت به حوادث اخیر دانشگاهها بالاخص دانشگاه مشهد که هنوز هم سازمان مرکزی آن تحت‌اشغال است می‌باشد. دکتر ادریسیان خاطر نشان ساخت مشروح و دلائل استعفای خود را بعدا" اعلام خواهد کرد.

انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۱

علاقمند به پایان دادن به مساله گروگانها است ولی افزود. من نمیتوانم تاریخی را ذکر کنم. بگزارش رادیو اتریش کرایسکی تاکید کرد تصمیم در باره گروگانها بعهده رهبران ایران است و افزود : اگر فشار های جدیدی به ایران وارد شود مشکلات جدیدی ایجاد خواهد شد.

کرایسکی قبل از ترک تهران گفت : این بحران تنها ازطریق تفاهم حل شدنی‌است. درایران انقلابی بوقوع پیوسته است و ما بعنوان سوسیال دمکرات‌ها معتقدیم چنین تحولی نباید مورد بی‌توجهی بخش دمکراتیک اروپا قرارگیرد. کرایسکی براین موضوع تاکید کرد که جهان نمیتواند کشور وسیعی مانند ایران را نادیده گرفته و آنرا در انزوا قرار دهد. کرایسکی گفت: صحبت های چند جانبه او با رهبران ایران راه را برای سفر دیگر هیئت‌های حقیقت‌یاب هموار ساخته است.

مجلس باید به...

بقیه از صفحه ۱

دستگاه حکومتی درجهت سازندگی کشور اعمال گردد. مجازات نباید بعنوان جانشین همه تمهیدات و تصمیمات در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی هدف اعلای نظام جمهوری اسلامی معرفی شود.

ما با آنکه قانون انتخابات مجلس ، مقدمات انتخابات و نحوه انتخابات را در بسیاری از موارد باهدفهای انقلاب و با اصول تعالیم و مبانی اسلامی مغایر میدانیم معتقدیم که نمایندگان منتخب مجلس باید به خطرات بسیاری که کشور و انقلاب را تهدید میکند بیندیشند و توجه نمایند که اگر با همگامی در راه هماهنگی قشرهای مختلف اجتماعی و برقراری نظام قانونی جمهوری اسلامی و اجرای مقررات قانون اساسی قدم نگذارند ودوران هرج ومرج و آشفتگی بعد از انقلاب را با روشهای متناسب با مقتضیات امروز و درجهت استقلال و آزادی و حفظ حقوق وآزادیهای قانونی مردم پایان ندهند بی‌شک کشور و انقلاب را بنابودی خواهند سپرد!

جبهه ملی پیام
یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه
منتشر میگردد

گزارش لحظه به لحظه...

بقیه از صفحه ۱

که جداگانه و مستقل چاپ‌شده است ، دکتر ابوالحسن بنی صدر پشت تریبون قرارگرفت و سخنان مشروحی درباره اوضاع کنونی مملکت و برنامه های آینده مجلس و دولت بیان داشت.

رئیس جمهور ایران در قسمتی از سخنان خود گفت :

نخستین مسئله ومشکل ما که از روز نخست انقلاب به صورت برخوردهای قهرآمیز و خشونت بار ظهور کرد ، مسئله اسم و عنوان و قومیت بود. ما از نخست بر این اساس اسلامی که پایه وحدت کشوررا اسلام و عقیده تشکیل میدهد ، بدون آنکه بپذیریم که تبعیضات سابق روا بودند مردم را به برادری وبرابری دعوت کردیم وکوشیدیم بر این اساس با این مسئله برخورد کنیم ، اما گروههای مسلحی دراین‌جا و آنجای کشور درپی این فکر خطا که مسائلی از اینگونه را باید از راه برخورد های مسلحانه حل کرد به ندا و پیام ما پاسخ نگفتند.

رئیس جمهوری پس از بیان شرح جریان گنبد و کردستان اضافه کرد :

طبیعی است اعمال این حاکمیت برای آنست که حقوق‌همه این مردم در پرتو قانون اساسی حفظ شود. این حاکمیت از نوع حاکمیت رژیم خودکامه سابق نیست که بر پایه تبعیض و ستم استوار باشد. بنابراین بلافاصله پس از استقرار حاکمیت ، نوبت انجام آنچه در قانون اساسی ما آمده است و آنچه درپیام های امام ذکر شده‌است میباشد. مسئله و مشکل دوم اجتماعی که کشور ما با آن روبروست و هم اکنون در پیام امام نیز بصراحت از آن صحبت شده است ، محرومیت شدیدی است که اکثریت مردم کشور ما از آن رنج میبرند. همین دیروز که من از چاپخانه‌ها دیدن میکردم نمونه‌هائی از این محرومیت‌ها که غیر قابل توصیف است خود بچشم دیدم و طبیعی است که یک جمهوری اسلامی نمیتواند شاهد این محرومیت‌ها باشد و کاری برای از بین بردن‌این محرومیت‌ها نکند. اما راه حل این محرومیت‌نیز آنطور که پاره‌ای از گروههای غیر مسئول و بعضا" وابسته پیش میکشند نیست دراین‌جمهوری از راه کار نکردن ، تشویق به خرابکاری ، برخوردوخصومت و کینه و نفرت نمیشود مشکلات بزرگ اقتصادی واجتماعی را حل کرد. در ماههای اخیر با کمال خوشوقتی تمایل به کارو تلاش وکوشش بیشترنشان داده میشود وما امیدواریم این مجلس محترم آنچه از قوانینی که هنوز به تصویب نرسیده وباید بتصویب برسد، در راه بهبود زندگانی قشرهای محروم جامعه به‌تصویب‌رساند و مقدمات از بین رفتن تبعیضات اقتصادی واجتماعی به‌طورقطع فراهم آید تا هرکس دراین جمهوری فراخور استعداد وکار و تلاش خود آنطور که در قانون اساسی آمده است از مواهب موجود دراین جامعه برخوردار بگردد.

بنی صدر افزود : کشور ما از نظر اقتصادی دروضعیت مساعدی قرار ندارد ، آنهاکه محرومان را تهدید میکند ، به آنها راست نمی‌گویند، امکانات کشور ما برای حل مشکلات اقتصادی چنان نیستند که ما فورا" بتوانیم مشکلات را بلافاصله حل کنیم ، برای اینکه همانطور که در پیام امام شدید ، وابستگیهای اقتصادی ما بسیارند. بودجه دولت ما چیزی جز موجودی ما در بانکهای خارجی نیست وبرای یک کشوری که میخواهد مستقل باشد چیزی بدتر از این متصور نیست.

مشکل اول و اساسی که باید به حل آن پرداخت مشکل وابستگی اقتصادی است وما به مسائل اقتصادی داخلی در پرتو استقلال اقتصادی باید فکر کنیم ونمی توانیم برای رفاه کاذب و رسیدن به یک نیاز فوری ، برنامه استقلال اقتصادی را اصلا" باجرا در نیاوریم و استقلال را قربانی کنیم.

مجلس محترم در مباحثات خودمعین خواهد کرد که به چه مسائلی در قلمرو اقتصاد باید تقدم بخشید و تردید ندارم که مردم ما آمادگی دارند هنوز محرومیت ها را تحمل کنند بشرط آنکه مقدمات مشی ما برای وصول به استقلال اقتصادی فراهم آید.

بعد از سخنان مشروح رئیس‌جمهوری ایران ، دکتر ـ سحابی اعلام کرد بر طبق برنامه‌تنظیمی قاعدتا در این لحظه‌بایستی شروع به انجام مراسم تحلیف نمائیم. اما تذکرداده‌اند دوموضوع مختصر را که باید بآن توجه بشود ، اول خواندن سرود اسلامی و سپس پیامی از سوی شورای نگهبان.

دکتر سحابی آنگاه در پاسخ نمایندگانی که‌درباره نیابت سنی ریاست مجلس مهندس بازرگان توضیحاتی می‌خواستند گفت :

ایشان مسلم است‌که قبول فرمودند و سمت نیابت سنی‌را دارند ، اگر لازم‌باشد و بنده ناتوان‌باشم در انجام وظیفه ، از ایشان استدعا خواهیم کردکه‌تشریف‌بیاورند. تغییری در آن انتخاب‌صورت نگرفته‌و مضافا ایشان‌هم‌آماده برای‌خدمت هستند. در این وقت‌حجت‌الاسلام خلخالی با صدای بلند گفت :

ادامه ندهید آقا....

در این‌جا سرود اسلامی و آیاتی از قرآن‌مجید خوانده شدو سپس آیت‌الله مهدوی‌ـ کنی از سوی‌شورای نگهبان گفت :

گرچه عده شورای ـ نگهبان تکمیل نشده وقضات شورای‌نگهبان‌که باید ازطرف شورای‌عالی قضائی به مجلس معرفی‌شوند و مجلس آنهارا تایید بکند و فعلا" این‌معرفی و تصویب عملی نشده ، ولی فقهای شورای‌نگهبان مایل بودند که چند جمله‌ای با نمایندگان صحبت کنم.

آیت‌الله مهدوی کنی آنگاه پیام شورای نگهبان‌را خواند.

مراسم سوگند نمایندگان

درساعت ۱۱/۲۰ دقیقه به دعوت رئیس سنی مجلس مراسم سوگند نمایندگان‌انجام شدودرحالیکه‌متن سوگندنامه توسط رئیس‌سنی مجلس جمله به جمله قرائت میشد ، نمایندگان نیز با صدای بلند آنرابازگو کردندو رئیس سنی مجلس‌در اینجا درباره امضاء متن سوگند نامه توضیح داد :

آقایان‌نمایندگان‌اقلیت‌ـ های مذهبی در موقعیکه نام قرآن مجید برده میشود بنام کتاب آسمانی خودشان ذکری خواهند کرد.

نمایندگان مجلس‌سپس سوگند نامه را امضاء کردند و رئیس سنی توضیح داد که جلسات‌مجلس‌همه‌روزه صبحها در کاخ سنا تشکیل خواهدشد و دستور جلسه امروز تعیین شعب دهگانه مجلس خواهد بود.

در جلسه افتتاحیه مجلس ، چهرهائی چون دکترسیداحمد مدنی نماینده مردم کرمان دکتر کاظم سامی و دکتر حبیبی نامزدهای ریاست‌جمهوری ایران دیده میشدندکه‌در میان نمایندگان مجلس حضور داشتند.

مراسم گشایش نخستین دوره قانون گذاری مجلس‌ـ شورای ملی جمهوری اسلامی ایران‌در ساعت ۱۱/۳۵ دقیقه پایان پذیرفت.

نکته‌ها

حق شفعه و حق شقه

مصاحبه بی طرفانه!
در سالگشت هجرت‌معلم شهید انقلاب

برای شناخت بیشتر مرحوم دکتر شریعتی عضو سابق جبهه ملی ، بجای مصاحبه با همرزمانش درجبهه ملی ، میروند با دشمن‌مصدق و جبهه ملی مصاحبه می‌کنند!

و طرف هم بطورمتولیانه طبق معمول چند فحش رنگارنگ نثار جبهه ملی می کند وآن جریده محترم هم بطور بی طرفانه ! آنرا با حروف‌درشت درج میفرماید!

کسی چه میداند ! شاید آقای کیانوری آنقدر بامرحوم دکترشریعتی رفت وآمددا شته یا در سنگر اسلام مبارزه کرده باشد که اینهمه شناخت از او و جبهه ملی دارد!! تاآنجا که ما می‌دانیم محال است.

سئوال اینستکه آیاحزب توده آنچنان با اسلام عجین شده که لازم بود در مصاحبه هم حق شفعه داشته باشد و هم حق شقه ؟ اینهم محال است.

و آیا این نزدیکی‌و هماهنگی آنچنانی ، تکرار تاریخ عصر مصدق نیست؟

حدادی

توصیه به رئیس جمهور

رئیس جمهورخواستار بازگشت پزشکان ایراني مقیم خارج از کشور شد. کاش یکی پیدا میشد این توصیه ما را به این رئیس زعیم میرساند که اگر خیلی بحضور این دکترها علاقمندند همین دکترها و اساتیدی که فعلا" در دست دارند از دستشان ندهندو از آنان حسن استفاده بشود. برگرداندن رفته‌هاپیش‌کش. و جهت توضیح بیشتر نظر مبارک رئیس جمهور را به نامه سرگشاده بامضاء ۱۲۱ پزشک دوره‌های تخصصی شیراز را که خواستار آزادی دو همکار خود شدند جلب میکنیم.

فشندی

گاز گرفتن

چون سگ گرسنه گوشت یافت نپرسد
کین شتر صالح است یا خر دجال
بنازم بهوش سگی!
گوشت ، گوشت است
چه ذبح اسلامی باشد
چه ذبح بین‌المللی
چه خر باشد
چه شتر ، فرقی ندارد ،
فقط برای ارضاء شهوت گرسنگی
و حفظ حیات
بشود آنرا گاز گرفت و نیش زد!

خیاط زاده

هفته مصدق . .

بقیه از صفحه ۱

خرداد هر روز از ساعت ۶ تا ۷ بعدازظهر به دفتر مرکزی تشکیلات جبهه ملی واقع در خیابان سی متری کارگر، مقابل ستاد ژاندارمری‌مراجعه و یا با تلفن ۹۲۱۲۰۰ تماس حاصل نمایند.

کمیته برگزارکننده